

## کتابخانه سلیمانیه

حسین متقی

ترکیه، کشوری است در جنوب غربی آسیا و محلّ تلاقی دو قاره آسیا و اروپا، متشکل از بخش‌های مرکزی دولت عثمانی است. ترکیه از شرق با گرجستان، ارمنستان، آذربایجان و ایران، از غرب با بلغارستان و یونان و از جنوب با سوریه و عراق همسایه است. دریای سیاه در شمال، دریای اژه در غرب و دریای مدیترانه در جنوب، ترکیه را با تمام جهان مرتبط می‌سازد. این کشور ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع مساحت دارد که حدود ۹۷٪ آن در آسیا (آناتولی) و ۳٪ هم در اروپا واقع است. جمعیت این کشور براساس جدیدترین آمارها حدود ۷۵۰۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد. پایتخت ترکیه، شهر آنکارا است که دارای جمعیتی نزدیک به ۴۰۰۰۰۰۰ نفر است. ترکیه براساس آمار سال ۱۹۹۷ م دارای ۸۰ استان (ایل)، ۸۴۹ بخش (ایلچه)، ۶۸۱ دهستان (بوجاق) و ۳۶۶۹۹ روستا (کوی) است و در این کشور ۱۸ شهر بالای یک میلیون نفر و ۸۴ شهر بیش از یکصد هزار نفر جمعیت دارد؛ بزرگترین شهر این کشور، شهر زیبای استانبول است که جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰۰۰۰ نفر دارد.

واحد پول این کشور لیره و جزء آن غروش است که در سال‌های اخیر، با تصویب لیره جدید، برای تسهیل معاملات، شش صفر از آن افتاده است! به این معنی که یک میلیون لیره تُرک برابر با یک لیره جدید (Yeni Turk Lirasi) است و این روزها، براساس پول ایران، هر لیره ترکیه ۷۵۰۰ ریال داد و ستد می‌گردد.

حکومت ترکیه از نوع جمهوری دموکراسی پارلمانی است که پس از انحلال پادشاهی عثمانی، به رهبری کمال آتاتورک (در گذشته ۱۹۳۸ م) با نام جمهوری ترکیه در سال ۱۳۰۲ ش / ۱۹۲۳ م تشکیل شد. مطابق قانون اساسی سال ۱۹۸۲ م و اصلاحیه سال ۱۹۹۵ م، قوه قانونگذاری از مجلس کبیر ملی تشکیل می‌شود که ۵۵۰ نماینده دارد. نمایندگان از طریق انتخابات برای دوره پنج ساله به مجلس راه می‌یابند. قوه مجریه را رئیس جمهور و شورای وزیران اداره می‌کنند. مجلس، رئیس جمهور را برای یک دوره هفت ساله تجدیدنپذیر انتخاب می‌کند. رئیس جمهور رئیس هیأت دولت است و شورای مشورتی دولتی با سی عضو، به وی مشورت می‌دهند. رئیس جمهور کنونی کشور ترکیه آقای احمد نجات سیزر است که با پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات اخیر مجلس ملی، انتظار می‌رود آقای عبدالله گل، وزیر خارجه ترکیه به ریاست جمهوری انتخاب شود. نخست وزیر آن کشور اکنون آقای رجب طیب اردوغان از حزب عدالت و توسعه است که در انتخابات اخیر مجلس (ژولای ۲۰۰۷) مجدداً حزب وی در مجلس حائز اکثریت آرا گردید. در ساختار سیاسی ترکیه ارتش حافظ اصول کمالیسم (اصول آتاتورک، غرب‌گرایی، و ملی‌گرایی) به ویژه اصل لائسیته (جدایی دین از سیاست) است. در ترکیه حدود ۹۰۰ نشریه ادواری وجود دارند که بیش از نیمی از آنها در استانبول و آنکارا و از میر منتشر می‌شود، حدود ۳۰۰ نشریه، دارای دیدگاه‌های اسلامی است. مطبوعات دیگر به ارزش‌های غربی و دموکراسی و عرفی سازی و حقوق بشر گرایش بیشتری دارند. با تأسیس صدها فرستنده رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی خصوصی در اواخر دهه ۱۹۸۰ م از اهمیت مطبوعات، بویژه مجلات کاسته شده است؛ صاحبان روزنامه‌های پر شمار، همچون صباح، حریت و ملیت، شبکه‌های تلویزیونی و خبری تأسیس کرده‌اند. برای نمونه در سال ۱۹۹۸ م دو رسانه رقیب، "دوغان" و "بیلگین"، بر حدود ۹۰٪ رسانه‌های ترکیه تسلط داشتند؛ سیاست این دو گروه به رغم رقابت تنگاتنگشان، حمایت از حکومت لائیک و گروه‌های لیبرال است. گروه "دوغان"، صاحب دو روزنامه پرتیراژ ملیت و حریت و شبکه تلویزیونی "دی" و خبرگزاری "حریت" و ده‌ها مجله است؛ گروه "بیلگین"، صاحب روزنامه صباح و شبکه تلویزیونی "ای" و خبرگزاری "صبح" و دارای مجلات متعدد است. از جمله نشریات اسلام‌گرا که در کشور ترکیه منتشر

می‌گردد، می‌توان به نشریاتی همچون: گازته، زمان، ترکیه و... اشاره نمود که برخی وابسته به طریقت فتح‌الله‌جی است.

امروز چهارشنبه ۱ اوت ۲۰۰۷ م است و اینجا استانبول و روز نخست سفر توریستی ما به کشور اسلامی و برادر، ترکیه است،... کلید اتاق را پس از صبحانه‌ای جالب و دیدنی! به متصدی مربوطه داده و به بیرون هتل می‌آییم. قبل از خروج بر کنار سردر هتل، یک صرافی است که برخی قیمت‌های ارزها را برانداز می‌کنیم، هر ۱۰۰ دلار شیطان بزرگ! برابر با ۱۲۶ لیره ترکیه است؛ در مشورتی با دوستان، ترجیح می‌دهیم تبدیل ارز را در صرافی دیگری انجام داده، چه بسا که به نظر می‌رسد اینجا کنار هتل اندکی گران‌تر است. البته قبل از اینکه ماجراهای روز چهارشنبه را بنویسم به نظر لازم است از شهری که قرار است یک هفته در آن بمانیم اطلاعات و گزارشی مختصر بدهم تا کسانی که بعدها قصد مسافرت به کشور زیبای ترکیه و شهر تاریخی استانبول را دارند، با فضای این "شهر سراسر خاطره"، و به تعبیر این کمینه، "موزه بزرگ میراث اسلامی"، بیش‌تر آشنا شوند.



شهر استانبول بزرگترین شهر و مهم‌ترین مرکز اقتصادی، بازرگانی، صنعتی، هنری - فرهنگی و جهانگردی ترکیه و مرکز استان استانبول است. این شهر تاریخی صدها سال پایتخت امپراتوری بیزانس (روم شرقی) و سپس امپراتوری عثمانی (تا سال ۱۹۲۳ م) بوده است. درباره نامگذاری این شهر گفته شده نخستین نامی که با استناد به نوشته پلینیوس برای این شهر آورده شده، لیگوس یا لیکوس است که در محلی که امروز به سرای بورنو معروف است (نزدیک توپقاپی سرای)، قرار داشته و احتمالاً تا زمان تشکیل شهر بیزانسیون موجود بوده است؛ اما کهن‌ترین و معروف‌ترین نامی که از این شهر در مآخذ آمده، بیزانسیون و بوزانسیون است که از واژه تراکیایی بیزانس، بوزاس یا ویزاس که نام شخص است، گرفته شده است. بیزانس در سال ۶۶۰ قبل از میلاد مسیح، شهری بنا نهاد که به نام او بیزانسیون نامیده شد. هنگامی که در سال ۱۹۶ م سپتیموس سوروس این شهر را تصرف کرد، آنجا را به نام پسرش آنتونیوس - که بعدها با عنوان کارکالا امپراتور روم شد - آنتونیا یا آنتونینا نامید؛ اما این نام دیری نپائید، کنستانتین اول، امپراتور روم که آیین مسیحیت را پذیرفت و در تقویت و گسترش آن اهتمام ورزید و به همین سبب با مخالفت شوالیه‌های بت‌پرست

رومی مواجه شد، به تغییر پایتخت تصمیم گرفت و بیزانتیون را که از نظر نظامی، اقتصادی - بازرگانی مهم بود و بر سر راه‌های ارتباطی زمینی و دریایی قرار داشت، برگزید؛ در ۱۱ مه سال ۳۳۰ م طی مراسم باشکوهی پایتخت به این محل انتقال یافت و نام رسمی بیزانتیون به رم دوم و سپس به رم جدید بدل شد که در مکاتبات کلیسایی بیش‌تر بکار می‌رفت و ساکنان آن را رومنی یا رومائیو می‌نامیدند و واژهٔ عربی "رومی" که تُرک‌ها نیز آن را پذیرفته بودند، از همین عبارت گرفته شده است. همچنین این شهر به رم بیزانس نیز شهرت داشته است، پس از درگذشت امپراتور کنستانتین، به یاد و افتخار او این شهر را کنستانتینوپولیس نامیدند. عرب‌ها بعدها آن را قسطنطنیه یا قسطنطنیه به کار می‌بردند؛ مردم شهر کنستانتینوپل برای راحتی آن را فقط پولیس می‌نامیدند؛ یونانی‌ها با افزودن پیشوند استین به کلمهٔ پولیس آن را استینوپولیس یا استنپولیس نامیدند. مسعودی در سدهٔ ۴ هـ / ۱۰ م به نقل از رومی‌ها نام آن را بولن و استنبولن نوشته است. این نام به تدریج به صورهای استیمبلی، ستمبول، اسدانبول، استنبول، نوشته شد و امروز نام رسمی آن در کشور ترکیه "استانبول" است. باید دانست که نام این شهر در دوره‌های مختلف تاریخی، افزون بر موارد یاد شده، به صورت‌های: آنتوسا، تئوفیلاکتس، دارالسلطنه، دُرّ سعادت، آستانهٔ سعادت، آستانه، دارالاسلام، هفت تپه، فرباغچه، دارالخلافة، محمیه، فروق و... نیز آمده است. همچنین در السنه از این شهر با عنوان «اسلامبول» نیز یاد شده که به جهت اکثریت مسلمان این شهر معنی ترکی آن لفظ غلبه یافته است؛ به این معنی که در این شهر «اسلام» را به فراوانی می‌توان یافت و حقیقتاً به جهت بافت فرهنگی بسیار قوی اسلامی و کهن آن، برای کسی که با زبان ترکی آشناست، ابتدا همین معنی ترکی در ذهن تبادر می‌نماید!

\* \* \*

استانبول با ظهور اسلام و لشکرکشی‌های مسلمانان به روم، چندبار مورد تهاجم آنان قرار گرفت؛ نخستین بار در سال ۴۸ هـ / ۶۶۸ م مسلمانان تا کالسدوان (قاضی کوی) پیش‌روی کردند و در سال بعد با رسیدن نیروهای تقویتی از تنگهٔ بُسفر گذشتند و قسطنطنیه را محاصره کردند و در همین جنگ بود که گفته شده ابویوب انصاری، صحابی شهیر رسول‌الله (ص) هم به همراه ۱۷ تن از اصحاب، در سال ۵۲ هـ به شهادت رسیدند و در نزدیک باروهای شهر مدفون گردیدند که امروزه مقبرهٔ آن صحابی شهیر

با عنوان "ایوب سلطان" مشهور است و ساکنان استانبول که عازم حج می‌شوند ابتدا مرقد وی را طبق یک عادت دیرین زیارت و سپس عازم حج می‌گردند. در زمان معاویه، سال ۵۶ هـ / ۶۷۶ م مسلمانان به جنگ رومیان رفتند و تا نزدیک استانبول رسیدند؛ محاصره استانبول ۷ سال طول کشید، سرانجام به کمک نیروی دریایی یونان محاصره در هم شکسته شد؛ در سال ۹۷ هـ / ۷۱۶ م سلیمان بن عبدالملک سپاهی را به جنگ رومیان فرستاد و فرمان داد تا قسطنطنیه پیش‌روی کرده، آنجا را محاصره و تسخیر نمایند، مسلمانان برای جهاد به قسطنطنیه رفتند، لیکن رومیان پیشنهاد صلح دادند که از طرف مسلمانان پذیرفته شد. همچنین مشهور است که در حدود سال ۲۵۰ هـ هم این شهر برای چندمین بار مورد حمله مسلمانان قرار گرفته و شماری نیز به اسارت مسلمانان در آمدند، که گفته شده ملیکا (دختر اگناتوس) هم خود را عمداً میان اسرا انداخت و همراه آنان به سامرا آورده شده که بعد از ازدواج با حضرت امام حسن عسکری - علیه السلام -، به نرجس خاتون شهرت یافت و کیفیت آن واقعه، مشهور است و در کتب روایی ما شیعیان، همچون بحارالانوار به تفصیل آمده است. این بانوی بزرگوار، مادر حضرت مهدی - علیه السلام - بوده است و آقای حسین حاتمی، از پژوهشگران شیعی ترکیه، معتقد است قبری هم که در خارج شهر استانبول قرار دارد و به آرامگاه حضرت یوشع - علیه السلام - منسوب است، در واقع قبر اگناتوس، قیصر مخلوع روم، از مؤمنان حقیقی به مسیحیت، پدر ملیکا و پدر بزرگ مادری امام زمان - علیه السلام - است که مقتول گردیده و به جهت اختفا از چشم دشمنان و حفظ مقبره، به یوشع منسوب شده است! هر چند وجود قبر یوشع نبی - علیه السلام -، که مشهور است به وسیله بلعم باعورا کشته شده، در کنار آن قبر شریف نیز منتفی نیست. به هر تقدیر به نظر می‌رسد این موضوع جالب به تحقیق بیش‌تری نیاز داشته باشد؛ ولی آنچه قطعی است این‌که شهر استانبول یا همان کنستانتینوپولیس، خاستگاه اجداد مادری امام دوازدهم - علیه السلام - می‌باشد و براساس نصّ سریع منابع متعدّد تاریخی، تردیدی نیست که حضرت نرجس - علیها السلام - در این شهر و در یک خانواده سلطنتی، متعلق به قیصر روم، چشم به جهان گشوده است و نیز جالب است بدانیم دو قبری که گفته شده در استانبول، کنار مسجدی قرار دارد، متعلق به دختران امام حسین - علیه السلام - است، براساس تحقیق چند تن از شخصیت‌های برجسته شیعی در

ترکیه، این مقبره‌ها در واقع متعلق به خاله‌های امام زمان - علیه السلام - بوده و آن دو در حقیقت خواهران ملیکا (حضرت نرجس خاتون) - علیها السلام - می‌باشند.

این شهر علی‌رغم حمله‌های متعدد مسلمانان، سلجوقیان و عثمانیان در سال‌های ۴۸۳ هـ / ۱۰۹۰ م، ۷۹۴ هـ / ۱۳۹۲ م، ۷۹۷ هـ / ۱۳۹۵ م، ۷۹۹ هـ / ۱۳۹۷ م، ۸۲۵ هـ / ۱۴۲۲ م، به جهت موقعیت خاص قسطنطنیه، همچنان دست رومیان بوده و تمام محاصره‌ها و حمله‌ها به شکست انجامیده است، تا اینکه سرانجام در سحرگاه سه شنبه ۲۰ جمادی الاولی سال ۸۵۷ هـ / ۲۹ مه سال ۱۴۵۳ م قسطنطنیه، توسط سلطان محمد دوم (۲۱ ساله) - که بعدها به مناسبت این پیروزی به "سلطان محمد فاتح" شهرت یافت - گشوده شد؛ وی در همان روز گشودن قسطنطنیه، وارد شهر شد و به کلیسای ایاصوفیه، که مردم شهر در آنجا پناه گرفته بودند، رفت و طی یک سخنرانی آزادی مذهبی و حقوقی آنان را تضمین کرد؛ آنگاه به مؤذنی که همراهش آورده بود، فرمان داد که اذان گوید و بدین سان صدای "لا إله إلا الله" و "محمد رسول الله" پس از ۸۵۷ سال از هجرت پیامبر بزرگ اسلام (ص) از مکه معظمه به مدینه منوره، نخستین بار در مرکز فرمانروایی بیزانس شرقی و مسیحیت شرق (ارتودکس)، طنین افکند. سلطان محمد فاتح، همچنین روز جمعه در ایاصوفیه نماز گزارد و خطبه به نام او خوانده شد. وی در سال ۸۵۸ هـ / ۱۴۵۴ م مرکز حکومت امپراتوری عثمانی را از ادرنه در نزدیکی شهر استانبول به قسطنطنیه یا همان استانبول، منتقل نمود.

استانبول را باید سرزمین جامع‌ها و مساجد زیبا، موزه‌ها، کتابخانه‌های بزرگ با مجموعه‌هایی بسیار نفیس و در یک کلام مظهر و بازمانده میراث و تمدن هنری هزاران ساله رومیان و نیز میراث ۷۰۰ ساله تمدن اسلامی امپراتوری عظیم عثمانی (۱۲۹۹ - ۱۹۲۲ م) دانست. اگر چه آنکارا پایتخت سیاسی کشور ترکیه است، اما استانبول همچنان پایتخت فرهنگی - هنری این کشور به شمار می‌رود. از ابنیه‌ها و اماکن مذهبی و دیدنی این شهر می‌توان به: مسجد ایاصوفیا، مسجد ایوب سلطان، جامع سلطان محمد فاتح، جامع سلطان بایزید دوم، جامع سلطان سلیم، جامع سلیمانیه، جامع سلطان احمد، جامع نور عثمانیه، جامع شهزاده‌باشی، ینی جامع، و جامع لاله‌لی اشاره نمود. در این شهر ۵۰۰ جامع و در حوالی آن نیز ۳۲۴ مسجد وجود دارد. شهر استانبول از نظر مجموعه موزه‌ها نیز یکی از غنی‌ترین شهرهای جهان

است؛ موزه‌های مهم آن عبارت‌است از: موزه توپقاپی سرای، موزه باستان‌شناسی، موزه آثار کهن شرق، موزه نظامی، موزه آتاتورک، موزه ایاصوفیه، موزه بلدیّه، موزه آثار ترکی - اسلامی و...؛ این شهر همچنین به تنهایی دارای ۳۷۹ کتابخانه بزرگ و کوچک است؛ مهمترین آنها عبارتند از کتابخانه سلیمانیه، کتابخانه بایزید، کتابخانه ملت، کتابخانه کوپریلی، کتابخانه نور عثمانیه و کتابخانه مرکزی دانشگاه استانبول که این اخیری به تنهایی دارای ۱۸۷۰۰ دستنویس نفیس به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی است.

\* \* \*

امروز چهارشنبه (۱۰ مرداد ۱۳۸۶) قرار است ساعت ۳/۵ عصر برویم کنسولگری ایران، که در بیرون کاپالی چارشی (بازار بزرگ سرپوشیده) قرار دارد؛ خیلی فرصت زیادی نمانده است...، سوار ماشین مشکی مدل بالای سیاسی کنسولگری، که به نظرم بنز است یا شاید هم بی ام و، می شویم، خود آقای بهنام آزاد (وابسته فرهنگی ایران) در جلو و ما هم عقب اتومبیل نشسته‌ایم و از کنسولگری بیرون آمده و به محل ملاقات می‌رویم. در راه تا به مقصد برسیم - که نیم ساعت راه است - از وضعیت اقتصادی ترکیه و... صحبت به میان می‌آید؛ ایشان در خصوص صنعت اتومبیل‌سازی در ترکیه صحبت می‌نمایند، اینکه ترک‌ها اخیراً علاقه‌ای عجیب به سمند ایرانی پیدا کرده‌اند و به باور ترک‌ها اتومبیل خوش‌دستی است و با توجه به امکانات آن از قیمت مناسبی هم برخوردار است! در ترکیه رقابت سنگینی بین شرکت‌های اروپایی برقرار است و تقریباً صنعت اتومبیل‌سازی در ترکیه متمرکز در مونتاژ آنهاست، یک موقعی یک اتومبیل ملّی داشتند، ولی اکنون تولید آن متوقف شده است و قیمت متوسط اتومبیل‌ها (البته نه اتومبیل لوکس) بین ۱۸ هزار تا ۳۰ هزار لیره است. اتومبیل‌های شهر استانبول تقریباً مدرن هستند، بیش‌تر اتومبیل‌های آلمانی مانند بی ام و، بنز و آئودی، ولی ماشین‌هایی مانند فیات و ولوو هم دیده می‌شوند... ولی راستش ما از اتومبیل‌های فرانسوی مانند پژو و سیتروئن (زانتیا) چیزی ندیدیم، جز یک پژو پرشیا، که آن هم ظاهراً از آن یک ایرانی است و مسافری گذری! قیمت بنزین هم در ترکیه به روز بوده و اگر درست در جایگاه‌ها دیده و ثبت کرده باشم، هر لیتر در حدود ۳ دلار است!

ماشین کنسولگری بعد از گذر از خیابان‌ها مقابل کوچه‌ای می‌ایستد و ما پیاده

می‌شویم، اینجا مجموعه فرهنگی - اسلامی جامع عظیم سلیمانیه است، حقیقتاً مکان

جالب و دیدنی است، اصالت فرهنگی و تمدن کهن اسلامی در آن موج می‌زند، در دیوارهای آن جامع از میراث صدها ساله امپراتوری بزرگ عثمانی و اقتدار فرهنگی آن به آیندگان خبر می‌دهد.

کتابخانه عظیم سلیمانیه از غنی‌ترین کتابخانه‌های جهان از نظر کتب خطی است، که در میان مجموعه زیبای جامع سلیمانیه قرار گرفته است. این مجموعه در حدود سال ۹۴۰ هـ در زمان سلطان سلیمان خان قانونی (۹۲۶ - ۹۷۴ هـ / ۱۵۲۰ - ۱۵۶۶ م)، سلطان مقتدر عثمانی، بر بالای تپه‌ای مشرف به دریا بنا شده و موقعیت مکانی آن طوری است که از فاصله دور دیده می‌شود. این کتابخانه در سال ۹۹۲ هـ / ۱۵۸۳ م ابتدا به عنوان مدرسه ساخته شده است - مجموعه سلیمانیه دارای دو مدرسه جدید و قدیم بوده که به صورت قرینه روبروی هم احداث گردیده است - سپس کتابخانه‌ای در این مجموعه، در زمان سلطان محمود اول در سال‌های ۱۱۶۴ - ۱۱۶۵ هـ / ۱۷۵۱ - ۱۷۵۲ م ساخته شد و در سال ۱۳۳۶ هـ / ۱۹۱۸ هـ کتابخانه مدرسه سلیمانیه نیز به کتابخانه مذکور ملحق گردید. در کتابخانه سلیمانیه و مجموعه‌های وابسته، براساس برآوردهای اولیه بین ۸۰۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰ دستنویس وجود دارد که از این تعداد، حدود ۵۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰ به زبان عربی، ۲۰۰۰۰ به زبان ترکی عثمانی و ۱۰۰۰۰ نسخه هم به زبان فارسی و نیز تعدادی هم زبان‌های دیگر است که گفته شد با احتساب رساله‌های درونی مجموعه‌ها، تعداد عناوین آن شاید بین ۲۵۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ عنوان بالغ گردد.

دستنویس‌های موجود در کتابخانه سلیمانیه در واقع مشتمل بر بیش از ۱۳۱ مجموعه و کتابخانه است که ۱۱۷ مجموعه آن مربوط به کتابخانه‌های مساجد و جامع‌های مختلف (عمدتاً شهر استانبول) است که در اواخر دوره امپراتوری عثمانی و سال‌های نخستین استقرار جمهوری ترکیه به رهبری مصطفی کمال آتاتورک و ۱۴ مجموعه دستنویس دیگر نیز در طی سال‌های ۱۹۳۵ - ۱۹۸۵ م به تدریج به این کتابخانه بزرگ انتقال یافته است که با اسامی علم‌خاص و مشهور ترکی، در این کتابخانه بزرگ نگهداری می‌گردند که برخی اسامی آنها عبارت است از: ابراهیم افندی، احسان محوی بالقیر، از میر یازمالاری، از میرلی اسماعیل حقی، از میرلی مصطفی افندی، اسعد افندی، اسعد افندی مدرسه‌سی، اسمخان سلطان، افغانی شیخ علی حیدر افندی، آنتالیا تکه‌لی اوغلی، ایاصوفیا، ایاد محمد افندی، ایوب سلطان



جامعی، پرتو پاشا (سلیمیه)، پرتو نهال سلطان والده جامعی، ایوب جامعی حضرت خالد فاتح، بشیر آغا ایوب، بشیر آغا، بغدادلی وهبی افندی، ترنووالی، جارالله، جلال اوکتین، چلبی عبدالله، چورلیلی علی پاشا، حاجی رشید بیک، حاجی محمود افندی، حافظ احمد پاشا، حالت افندی، حالت افندی علاوه سی، حسن حسنی پاشا، حسن خیری، عبدالله افندی، حسیب افندی تکیه سی، حسین کاظم بیک، حفید افندی، حفید افندی علاوه سی، حکیم اوغلی علی پاشا، حمیدیه، خدیوی اسماعیل پاشا، خرپوت یازمالاری، خسرو پاشا، دارالمثنوی، داماد ابراهیم پاشا، دنیزلی، دوغوملی بابا، رستم پاشا، رشید افندی، رئیس الکتاب مصطفی افندی، زهدی بیک، سیرز، سرویلی، سلطان احمد اول، سلیمانیه، سید نظیف افندی، شاذلی تکیه سی، شهزاده محمد، شهید علی پاشا، صالحه خاتون، طاهر آغا تکیه سی، طورخان والده سلطان، عاشر افندی، عشاقی تکیه سی، عشاقی درگاهی، عموجه زاده حسین پاشا، گالیبولی طاهر افندی، قاضی زاده برهان الدین، قاضی زاده محمد افندی، قره چلبی زاده حاسم الدین قصیده چی زاده سلیمان سری افندی، قلیچ علی پاشا، گلنوش والده سلطان، گیره سون یازمالاری، لالا اسماعیلی افندی، لاله لی، محمد آغا جامعی، محمد حلمی، محمد فهمی، محمد عارف، محمد مراد، محمود پاشا، مراد بخاری، مسیح پاشا، مصلی مدرسه سی، ملاچلبی، مهر شاه سلطان، موغلا یازمالاری، نافذ پاشا، نصوحی درگاهی، هاشم پاشا، یازما باغشیر، یحیی توفیق مدرسه سی، ینی جامع، ینی مدرسه، یوزگات، یوسف آغا و... باید دانست که از مجموع نسخه های خطی این کتابخانه، استثناء دستنویس های ۵ کتابخانه شامل کتابخانه های کوپرلی (۲۷۷۵ خطی و ۸۲۷ چاپی)، نور عثمانیه (۵۰۵۳ خطی و ۲۶۶۰ چاپی)، راغب پاشا (۱۲۷۴ خطی و ۱۱۲۵۹ چاپی)، عاطف افندی (۳۲۲۸ خطی و ۲۴۷۳۷ چاپی) در استانبول و کتابخانه حاجی سلیم آغا (۲۸۸۷ خطی و ۱۵۸۷ چاپی) در اسکودار (۴۰ کیلومتری استانبول) در محل خویش، اما زیر نظر کتابخانه بزرگ سلیمانیه اداره می گردد.

ناگفته نماند که برای نسخ خطی این کتابخانه و مجموعه های تابعه، از آغاز تاکنون فهرست های چندی چاپ شده که بیشترین آنها در دوره سلطنت سلطان عبدالحمید ثانی (۱۲۹۳ - ۱۳۲۷ هـ / ۱۸۷۶ - ۱۹۰۹ م) منتشر شده اند و به «فهارس دوره حمیدی» مشهورند؛ این کتابخانه دارای دو فهرست قدیم است: الف) فهرست کتابخانه داماد ابراهیم پاشا، که از سوی عبدالرحمن نجم افندی (درگذشته ۱۳۱۲ هـ)، بازرس کتابخانه ها، در

سال ۱۲۷۹ هـ به صورت چاپ سنگی منتشر شده است و در آن ۱۲۵۲ اثر دستنویس به صورت نامگوی معرفی نموده است؛ ب) فهرست صدر اعظم راغب پاشا، که از سوی همان نجم افندی در سال ۱۲۸۵ هـ در ۸۰ ص به صورت چاپ سنگی انتشار یافته است. اما از فهرس دوره حمیدی که برای نسخه‌های خطی مجموعه‌های این کتابخانه به زبان ترکی عثمانی (خط و الفبای عربی) منتشر شده‌اند، عبارتند از:

۴. دفتر کتابخانه عموجه حسین پاشا، ۶۰ ص، استانبول، ۱۳۱۰ هـ که ضمن آن افزون بر معرفتی نسخه‌های خطی کتابخانه عموجه حسین پاشا (صص ۱-۴۹)، دستنویس‌های کتابخانه سید نظیف افندی (صص ۵۰-۶۰) نیز گزارش گردیده است.

۵. دفتر کتابخانه عاشر افندی، ۱۹۳ ص، در سعادت، ۱۳۰۶ هـ که ضمن آن افزون بر معرفتی نسخه‌های خطی کتابخانه شیخ الاسلام مصطفی عاشر افندی (صص ۹۸-۱۴۷)، دستنویس‌های کتابخانه رئیس الکتاب مصطفی افندی (صص ۱-۹۷) و دو مجموعه دستنویس‌های هاتف افندی به صورت مجزا (صص ۱۴۸-۱۸۹ و صص ۱۸۹-۱۹۳) گزارش گردیده است.

۶. دفتر کتابخانه ایاصوفیا، ۳۸۷ ص، در سعادت، ۱۳۰۴ هـ.

۷. دفتر کتابخانه بشیرآغا، ۶۱ ص، استانبول، ۱۳۰۳ هـ که ضمن آن افزون بر معرفتی نسخ خطی کتابخانه بشیرآغا (صص ۱-۵۸)، دستنویس‌های کتابخانه نورالدین آغا (صص ۵۹-۶۰) نیز گزارش گردیده است.

۸. دفتر کتابخانه بشیرآغا، ۱۵ ص، استانبول، بی تاریخ.

۹. دفتر کتابخانه چلبی عبدالله افندی، ۴۱+۴ ص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ.

۱۰. دفتر کتابخانه چورلیلی علی پاشا، ۳۵ ص، استانبول، ۱۳۰۳ هـ.

۱۱. دفتر کتابخانه داماد ابراهیم پاشا، ۸۷ ص، در سعادت، ۱۳۱۲ هـ.

۱۲. دفتر کتابخانه دوغوملو (دوگملی) بابا، ۴۷ ص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ.

۱۳. دفتر کتابخانه اسعد افندی، ۳۴۲+۱ صص، استانبول، بی تاریخ.

۱۴. دفتر کتابخانه جامع شریف ایوب، ۲۳ ص، استانبول، ۱۳۱۱ هـ.

۱۵. دفتر کتابخانه فاتح، ۱+۳۸۱+۵۹ صص، استانبول، بی تاریخ، که ضمن آن افزون بر معرفتی نسخه‌های خطی کتابخانه فاتح (صص ۱-۳۸۱)، دستنویس‌های کتابخانه ابراهیم افندی (صص ۱-۵۹) گزارش گردیده است.

۱۶. دفتر کتابخانه فیض الله افندی و شیخ مراد و فلقاندلی اسماعیل آغا، ۷۹ ص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ، که در آن به ترتیب کتب خطی کتابخانه فیض الله افندی (صص ۱-۲۷)، دستنویس های کتابخانه اسماعیل آغا (صص ۲۸-۴۱) و نسخ خطی کتابخانه شیخ مراد افندی نیز در (صص ۴۲-۷۹) گزارش گردیده است.
۱۷. دفتر کتابخانه حالت افندی، ۹۸ ص، در سعادت، ۱۳۱۲ هـ که در آن دو مجموعه کتب خطی حالت افندی به صورت مجزا (صص ۱-۷۰ و ۷۱-۹۶) گزارش گردیده است.
۱۸. حمیدیه کتبخانه سینده محفوظ کتب موجودین دفتریدر، ۱۵۳+۱ صص، استانبول، ۱۳۰۰ هـ، که ضمن آن، افزون بر نسخه های خطی کتابخانه حمیدیه (صص ۱-۱۰۰)، دستنویس های کتابخانه لالا اسماعیل (صص ۱۰۱-۱۵۲) نیز گزارش شده است.
۱۹. بحریه ناظری حسن حسنی پاشا کتبخانه سی فهرستی، ۵۰ ص، بی جا، بی تاریخ.
۲۰. دفتر حکیم اوغلی علی پاشا کتبخانه سی، ۷۲ ص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ، که ضمن آن، افزون بر نسخ خطی کتابخانه حکیم اوغلو پاشا (صص ۱-۷۲)، دستنویس های جامع حکیم اوغلو (صص ۱-۱۲) نیز گزارش شده است.
۲۱. دفتر کتبخانه خسرو پاشا، ۷۸ ص، استانبول، بی تاریخ.
۲۲. دفتر کتبخانه اسمخان سلطان، ۴۰ ص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ.
۲۳. دفتر حسام الدین افندی کتبخانه سی، ۳۲+۱ صص، استانبول ۱۳۱۶ هـ، که ضمن آن افزون بر معرفی کتب خطی کتابخانه قره چلبی زاده حسام الدین افندی، دستنویس های کتابخانه نقشیدلی سلطان نیز گزارش گردیده است.
۲۴. قلیچ علی پاشا کتبخانه سی دفتری، ۹۲+۱ صص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ.
۲۵. دفتر کتبخانه لاله لی، ۳۸۲ ص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ.
۲۶. محمود پاشا مدرسه سی کتبخانه سی و رستم پاشا کتبخانه سی دفتری، ۷۲+۲ صص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ، که ضمن آن افزون بر معرفی کتب خطی کتابخانه مدرسه محمد پاشا (صص ۱-۲۶) و دستنویس های کتابخانه رستم پاشا (صص ۲۴-۴۷)، نسخ خطی کتابخانه از میرلی مصطفی افندی (صص ۲۷-۳۴) و مخطوطات کتابخانه یوسف آغا (صص ۴۸-۷۲) نیز گزارش شده است.
۲۷. دفتر کتبخانه مهر شاه سلطان، ۷۶ ص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ.
۲۸. دفتر کتبخانه سلیمیه [= پرتوپاشا]، ۷۴+۱ صص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ.

۲۹. دفتر کتبخانه مدرسه سرویلی، ۳۳+۱ صص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ.
۳۰. دفتر کتبخانه سلیمانیه، ۱۱۱ صص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ.
۳۱. چهارشنبه ده شیخ الاسلام اسعد افندی مدرسه سی وینی مدرسه و محمدآغا جامعی کتبخانه لری دفتری، ۳۰+۱ صص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ، که در آن به ترتیب نسخه های خطی کتبخانه شیخ الاسلام اسعد افندی (صص ۱-۱۱)، دستنویس های کتبخانه جامع محمدآغا (صص ۱۲-۲۰) و مخطوطات کتبخانه ینی جامع (صص ۲۱-۳۰) گزارش گردیده است.
۳۲. آقسرائی والده جامعی شریف کتبخانه سی دفتری، ۶۹+۲ صص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ.
۳۳. دفتری کتبخانه یحیی (توفیق) افندی، ۴۷+۱ صص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ.
۳۴. ینی جامع کتبخانه سینده محفوظ کتب موجودین دفتریدر، ۱۰۳+۱ صص، استانبول ۱۳۰۰ هـ، که ضمن آن افزون بر معرفی کتب خطی کتبخانه ینی جامع (صص ۱-۷۶)، دستنویس های کتبخانه ترخان والده سلطان (صص ۷۷-۱۰۱) و نسخه های خطی کتبخانه معلّم الحاج مصطفی افندی (صص ۱۰۲) نیز گزارش گردیده است.
۳۵. دفتر کتبخانه داماد زاده قاضی عسکر محمد مراد، ۱۷۰ صص، در سعادت، ۱۳۱۱ هـ، که ضمن آن افزون بر معرفی نسخه های خطی کتبخانه محمد مراد (صص ۱۵۰-۱۶۱)، دستنویس های کتبخانه مراد ملا (صص ۱-۱۴۸)، نسخ خطی کتبخانه محمدعارف (صص ۱۶۲-۱۷۰) و مخطوطات کتبخانه گالیبولی طاهر (صص ۱۷۲-۱۷۹) نیز گزارش گردیده است.
۳۶. دفتر قره مصطفی پاشا و مصلی مدرسه سی و حکیم اوغلی جامعی و قویوچی مراد کتبخانه لری، ۶۲ صص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ، که به ترتیب کتاب های خطی کتبخانه قره مصطفی پاشا (صص ۱-۳۶)، دستنویس های کتبخانه مدرسه مصلی (صص ۳۷-۵۴)، نسخه های خطی کتبخانه جامع حکیم اوغلی (صص ۵۵-۵۸) و مخطوطات کتبخانه قویوچی مراد پاشا (صص ۵۹-۶۲) گزارش گردیده است.
۳۷. دفتر کتبخانه عاطف افندی، ۱۹۴ صص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ.
۳۸. دفتر کتبخانه حاجی سلیم آغا، ۱۳۴ صص، در سعادت، ۱۳۱۰ هـ.
۳۹. دفتر کتبخانه امیر خواجه کمانکش، ۶۶+۱۱+۱ صص، بی جا، بی تاریخ، که ضمن آن افزون بر معرفی نسخه های خطی کتبخانه کمانکش (صص ۱-۴۹)، دستنویس های کتبخانه نوربانو سلطان (صص ۵۰-۶۳) و کتب خطی کتبخانه یعقوب پاشا (صص ۶۴-۶۶) نیز گزارش گردیده است.

۴۰. کوپریلو زاده محمد پاشانین کتبخانه سینده محفوظ کتب موجودین دفتری، ۲۴۸ ص، استانبول، ۱۳۰۳ ه، که ضمن آن افزون بر کتب خطی کتابخانه کوپریلی زاده (صص ۱-۱۳۶)، دو مجموعه دیگر که سال‌های گذشته به این کتابخانه ملحق شده‌اند، معرفی گردیده است که به ترتیب عبارتند از: مجموعه خطی فاضل احمد پاشا (صص ۱۳۷-۱۷۸) و مجموعه خطی محمد عاصم (صص ۱۷۹-۲۴۶).

۴۱. نور عثمانیه کتبخانه سینده محفوظ کتب موجودین دفتری، ۳۳۸+۱ صص، استانبول، بی تاریخ.

۴۲. دفتر کتبخانه راغب پاشا، ۱۷۶ ص، استانبول، ۱۳۱۰ ه.

۴۳. دفتر کتبخانه ولی‌الدین، ۲۸۶ ص، استانبول، ۱۳۰۴ ه.

باید دانست که افزون بر فهرس دوره حمیدی، در سال‌های اخیر نیز چند فهرست ترکی استانبولی (خط و الفبای لاتین)، در ضمن فهرستگان مشترک دستنویس‌های کتابخانه‌های ترکیه، یا به نحو مستقل برای مجموعه دستنویس‌های این کتابخانه و توابع آن منتشر شده است.

جالب است بدانیم که علی‌رغم وسعت کتابخانه و فراوانی دستنویس‌ها و گستردگی بخش‌های مختلف کتابخانه، مجموع کارمندان تمام بخش‌ها، تنها ۵۵ کارمند است! و نکته جالب اینکه بزرگترین کتابخانه دارنده نسخ خطی اسلامی در جهان، در یک کشور بسیار بروکراتیک، تنها با ۵۵ کارمند اداره می‌شود، لیکن در کتابخانه‌های ایران، با اینکه از نظر تعداد نسخ خطی و سرویس‌دهی نسبت به کتابخانه سلیمانیه، در رتبه نازلتری قرار دارند، برعکس آن، هر کتابخانه چند برابر آن کارمند و خدمه دارند، فاعتبروا یا اولی الابصار! گفتنی است برابر آمارهای غیر رسمی در حدود نصف دستنویس‌های ترکیه تقریباً در کتابخانه‌های استانبول نگهداری می‌شوند؛ از این تعداد در حدود ۱۰۰۰۰۰ نسخه خطی نفیس به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی در کتابخانه بزرگ سلیمانیه و ۱۵۰۰۰۰ هم در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی دیگر استانبول و یا سایر شهرهای ترکیه موجود است، به همین میزان، یعنی حدود ۲۵۰۰۰۰ نسخه هم در دست مردم یا کتابخانه‌های خصوصی است و شاید در کل ترکیه در حدود ۵۰۰۰۰۰ دستنویس موجود است؛ ولی حقیقت این است که با توجه به وفور دستنویس‌ها در کتابفروشی‌ها به نظر تعداد آنها را نباید کمتر از یک میلیون نسخه دانست!

بعد از ورود به کتابخانه سلیمانیه با شخصیتی به نام آقای امیر عیش آشنا می‌شویم که اکنون ریاست کتابخانه سلیمانیه را عهده‌دار است... و آن‌گونه که از خوش و بش‌ها پیداست دوستی نسبتاً عمیقی با آقای آزاد دارند؛ وی پیش‌تر معاون آقای نوزاد کایا، رئیس پیشین این کتابخانه بوده که اکنون بازنشسته شده و گویا در استانبول تشکیلاتی خصوصی در حوزه اسناد و کتابخانه راه‌اندازی نموده است؛ من وی را در سال‌های گذشته، در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی (ره) در قم همراه آقای عیش، دیده بودم. آقای عیش فردی میان‌سال، حدود ۴۵ ساله، آرام، خوش‌برخورد، وزین، متین، متبسم، با ظرفیت و حوصله، باهوش، دقیق، منضبط و جدی به نظر می‌رسد. به تبع فضای معنوی حاکم بر مجموعه سلیمانیه، از مدیریت تشریفاتی ظاهراً خبری نیست، هر چند قوانین بروکراتیک حاکم بر سیستم‌های اداری در ترکیه را هرگز نمی‌توان از نظر دور داشت؛ لیکن آنچه در بدو امر ظهور دارد، این است که مدیریت واحد و ساده‌ای اینجا حکفرماست. البته مدیریت در اینجا به تمام معنای آن اجرایی است، و مدیر دقیقاً نظریات و قوانین وزارت فرهنگ و توریسم را اجرایی می‌نماید و خیلی اختیارات قانونی ندارد! هر چند در لحظات بعد بیش‌تر متوجه می‌شویم که به اصطلاح اصولی "ما من عامّ و قد خصّ"؛ به هر حال هر قانونی استثناپذیر است و در مواردی دست‌مدیر برای برخی درخواست‌ها قطعاً باز است و حقیقتاً بدون اعمال چنین روش مدیریتی، مدیریت دیگر بی‌معنی است!

ایشان از هیأت ایرانی با محبت استقبال نموده و به سالنی مشرف به حیاط دلنواز مشتمل بر گل و گیاه و درختان سرسبز، در درون کتابخانه هدایت می‌نمایند. اتاق آقای عیش هم در همین سالن قدیمی مشرف به حیاط قرار دارد که چند صندلی و میز و رایانه و گوشی تلفن و... آن مجموعه کاملاً ساده و سنتی را به مدرنیته پیوند زده است که به نظرم یک ملاحظت و هارمونی خاصی به آن بخشیده است، و این نکته بسیار ظریفی است، چرا که کسانی که در این فضا و محیط قرار می‌گیرند، ناخودآگاه با تمام وجود، با فضای هارمونی نسخه‌های خطی حاکم بر این مکان هم‌نوا می‌شوند و بسیار جالب است که این فضا علی‌رغم تغییر و تحولات گسترده در ترکیه و دور شدن از فضای سنتی و شرقی و نیز غربی شدن معماری و تفکر و... همچنان بدون تغییر مانده است و انسان هنگامی که درون این مجموعه قرار می‌گیرد، کاملاً با دنیای مدرن و فناوری حاکم بر

جهان امروز بیگانه می‌گردد، خصوصاً با این سالن قدیمی، با مدخل‌ها و درهایی با ارتفاع کم - که باید هنگام عبور از آنها سر را پایین آورد و اگر دقت نشود، سر انسان به بخش فوقانی آن می‌خورد - که به نظرم باید این معماری خود دارای رمز و رازی بوده باشد، همچون مسجد بودن این مکان و تواضع هنگام ورود و... که متأسفانه به جهت زوال سریع زمان و انبوه داده‌ها، امکان دقت در این امور، فوق العاده سخت می‌نماید و مغز از جولان می‌افتد! چرا که حقیقتاً مغزهای عادی انسانی قدرت پردازش چندین مطلب سنگین را همزمان و در لحظه‌ای کوتاه، ندارد! تنها چیزی که در بداهت امر با دیدن حیاط کتابخانه، به ذهنم می‌رسد، حیاط میانه قبرستان ابو حسین قم با مقبره‌های خصوصی اطراف آن یا حیاط مسجد چهل ستون زنجان با حجره‌های دور تا دور آن است!

\* \* \*

آقای عیش، ضمن خوش آمدگویی و تعارفات معمول به زبان ترکی، از آقای آزاد هم بابت این ملاقات تشکر می‌نماید و متقابلاً آقای آزاد هم بابت اندکی تأخیر معذرت خواهی می‌نماید. آقای عیش در این هنگام منشی جوان خویش به نام «جسور بیک» را - که اگر درست به خاطر من مانده باشد اهل قونیه یا تحصیل کرده دانشگاه قونیه است و در زمینه نسخ خطی هم گویا تخصصی دارد و اندکی هم به صورت دست و پا شکسته فارسی می‌داند و به نوعی مشاور جناب آقای عیش است - هم به هیئت همراه معرفی می‌نماید و می‌خواهد که با ما فارسی صحبت نماید، لیکن جز برخی کلمات و جملات کوتاه نمی‌تواند ادامه دهد! به هر حال فرد مؤدب، منظم و خوبی به نظر می‌رسد، کاملاً محجوب، خجالتی و سربزیر است که به نظر می‌رسد علاقه‌ای و صفا ناپذیر به ارتباط با دیگران دارد، لیکن فقط در چهارچوب سیستم‌های اداری! آقای عیش به یک نیروی خدماتی دستوراتی در زمینه پذیرایی از ما می‌دهند و اندکی بعد ترکیبی جالب از «انگور، چای، آب و گلابی» می‌آورند! ابتدا این کمینه به عنوان نماینده کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (ره) سر صحبت را باز کرده، و برای اینکه دوستانم نیز متوجه بشوند، به زبان فارسی صحبت می‌کنم، آقای آزاد هم آن را برای آقای عیش، به ترکی استانبولی ترجمه می‌نماید. لیکن چون بعد حس می‌کنم زمان بسیار ضیق است و بهتر است از فرصت موجود خوب استفاده نمود، سعی می‌کنم خود مستقلاً به ترکی صحبت کنم، هر چند ترکی آذری ما ایرانیان

با ترکی استانبولی در مواردی اندک، بسیار متفاوت است، لیکن تقریباً خمیرمایه آن یکی است و البته با واژگانی از ترکی استانبولی که به هر حال در سال‌های کار، اشتغال و ممارست و مؤانست با نسخ خطی عثمانی، یاد گرفته‌ام، مقصودم را می‌رسانم!

من، ضمن گزارشی از وضعیّت کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی (ره) در قم، تعداد نسخه‌ها و تعداد فهرس منتشر شده و... از کیف خود دو کتاب از آثارم: معجم الآثار المخطوطة حول أمير المؤمنين علی بن ابی طالب - علیه السلام - و نیز جلد نخست فهرست نسخه‌های خطی ترکی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را همراه نامه رسمی جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی، رئیس کتابخانه، و نیز یک کاتالوگ انتشارات و یک جزوه معرفی از ساختمان جدید کتابخانه و نسخه‌های خطی و سایر آثار چاپی آن، به ایشان تقدیم می‌دارم... به هر تقدیر فضای بسیار صمیمی و خوبی است، از فداکاری‌های آن مرجع رحیل، حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی (ره) در جمع آوری نسخ در این کتابخانه بزرگ، بسیار صحبت می‌شود و شخص آقای امیر عیش هم ابراز علاقه و امعان نظر خاصی به شخص آقای دکتر مرعشی و کتابخانه بزرگ می‌نمایند. این ملاقات نزدیک به ۲ ساعت طول می‌کشد، آقای امیر عیش گزارشی از وضعیّت کتاب‌ها و نسخه‌ها در این کتابخانه و نیز برخی آمارها، ارائه می‌دهند. وی می‌گوید در سال ۱۹۱۸ م مدرسه سلیمانیه به کتابخانه سلیمانیه تبدیل می‌شود. براساس سندی که من اخیراً در کتابخانه یافته‌ام، در سال ۱۹۲۲ م مدیر وقت کتابخانه به مدیر اداره اوقاف استانبول، نامه‌ای نوشته و از وی خواسته است که به جهت تراکم و کثرت مراجعه مطالعه کنندگان و محققان به کتابخانه سلیمانیه، با باز بودن کتابخانه تا سحر در ماه مبارک رمضان موافقت فرماید، مدیر مربوطه گفته بود که ما هم می‌خواهیم کتابخانه باز باشد، لیکن برای شب لامپا (روشنایی) نداریم، بنابراین نمی‌توانیم شب‌ها سرویس دهیم! می‌بینید! محققان حتی حاضرند زیر نور و روشنایی کم سو و حدّ اقل، با شرایط آن روز به مطالعه بپردازند، ولی کتابخانه باز باشد؛ مطالعه کنندگان و "مردم آن روزها خود در روشنایی بودند، هر چند فقدان روشنایی ظاهری دغدغه‌ای دیگر بود، اما امروزه روشنایی ظاهری هست، لیکن ما خودمان در ظلمت و تاریکی فرو رفته ایم! الان لامپ‌های ما اقتدار و حاکمیّت پیدا کرده‌اند، لیکن روشنایی وجود خودمان را خاموش ساخته ایم!" سپس نکات ظریف اشاره‌ای در خصوص آقاپارتی‌ها و "حزب عدالت و توسعه" حاکم بیان



می‌دارد، که به جهت اینکه اطلاعات ریز و دقیقی از فضای فرهنگی و وضعیت سیاسی حاکم بر ترکیه اکنون ندارم، و از طرفی هم زبان ترکی استانبولی آمیخته به واژه‌های نوین امروزی ترکیه را دقیق متوجه نمی‌شوم، چیز زیادی در خاطر نمی‌ماند! وی همچنین ادامه می‌دهد اینجا تا سال‌های متمادی اذان عصر که گفته می‌شد، در کتابخانه را می‌بستیم، از زمانی که من آمده‌ام (۸ ماه)، به وزارت فرهنگ نامه نوشتم، که کتابخانه باید به همین دلایل تا پاسی از شب، باز باشد. الان سه ماه است، الحمدلله این کار را کرده‌ایم و تا نیمه‌های شب (ساعت ۲۳) در کتابخانه به روی پژوهشگران باز است؛ لیکن متأسفانه، علی‌رغم تسهیلات لازم و امکانات فراوان به محققان در این سه ماه، هنوز از نظر تعداد مراجعه‌کننده و محقق به وضعیت ۸۵ سال قبل نرسیده‌ایم! این نامه ارزشمند تاکنون چاپ نشده، من قصد دارم در آینده نزدیک آن را منتشر سازم. در این کتابخانه سال‌ها مدیرانی بودند که جز لاس زدن با خانم‌ها، فساد و فسق و عیش و نوش به چیزی اهمیت نمی‌دادند! تنها کسی که در این دوران به این کتابخانه رسیدگی کرد، آقای نوزاد کایا (رئیس قبلی) بود؛ وی این کتابخانه را با ۳۲ نفر از نو ساخت و این در حالی بود که کتابخانه سلیمانیه دارای ۱۳۰ مجموعه (کتابخانه انتقال یافته به سلیمانیه) و ۵ کتابخانه مستقل (اما زیر نظر) مشتمل بر کتابخانه‌های کوپرلی، نور عثمانیه، راغب پاشا، عاطف افندی در استانبول و حاجی سلیم آغا در اسکودار بوده است. جالب است بدانیم کتابخانه راغب پاشا در مقابل لاله‌لی، به خاطر زلزله‌ای که اخیراً آمده بود آسیب دید، مدیری داشت، که گفته بود برخی از این نسخ آسیب دیده، ارزش ترمیم ندارند، بهتر است آنها را خمیر کنیم و کاغذ مخصوص نسخ خطی بسازیم! حال ۸ ماه است که من آمده‌ام و ان‌شاءالله اگر بگذارند! قصد دارم مجدداً به احیای این کتابخانه پردازم. سال‌ها قبل گروهی را از اینجا به چین فرستادند، در حالی که یک نسخه چینی در این کتابخانه نیست! کارشناس نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی می‌خواهیم و نه چینی! ما برای خواندن یک سطر به زبان فارسی و ثبت داده‌های اولیه نسخ خطی اینجا مشکل داریم و متخصص نداریم، خصوصاً زبان فارسی! این گنجینه عظیم اکنون با ۵۵ کارمند به راه خود ادامه می‌دهد. وی می‌افزاید که ما الان ۸۵ جلد فهرست نسخ خطی داریم که به «فهارس دوره حمیدی» مشهور است؛ خود می‌داند دوره سلطان عبدالحمید عثمانی ضعیف‌ترین دوره امپراتوری بوده و از نظر

اقتصادی و مشکلات جنگ اول جهانی و... بیش تر از همه دوره‌ها درگیر بوده است، باز می‌بینیم با این حال و وضعیت، حدود ۸۵ جلد فهرست برای دستنویس‌های کشور ترکیه و عمدتاً استانبول تهیه شده است؛ لیکن متأسفانه در این دوره جمهوریّت، از سال ۱۹۲۴ م تاکنون ما هنوز نتوانسته‌ایم حتی به همان اندازه دوره ضعیف عبدالحمیدخان، برای دستنویس‌های موجود خود فهرست تهیه نموده و منتشر سازیم!

آقای عیش سپس از آمدنش به ایران، قم و کتابخانه و ملاقات خاطره انگیزش با آقای دکتر مرعشی تولیت و ریاست کتابخانه، سخن به میان می‌آورد و صحبت از تلاش عظیم و مثال زدنی مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) می‌نماید و به روان آن مرد سترگ درود می‌فرستد که چگونه توانست یک تنه، این مجموعه گرانقدر و نفیس تراثی را با آب شمع وجودش برای نسل‌های بعدی گرد آورد. در این هنگام این کمینه نیز با ذکر نمونه‌هایی از ایثار وی همچون اینکه: «این نسخه را خریدم، در حالی که اکنون ۲۰ ساعت است هیچ چیز نخورده‌ام!» یا «این نسخه را در مقابل دو سال نماز و روزه استیجاری خریدم» و مواردی مشابه آن، که آقای عیش سخت تحت تأثیر قرار می‌گیرند و مواردی را نیز خود بیان می‌دارند که به نظرم بیان آن، اینجا خالی از لطف نیست. وی با ذکر داستانی، می‌گوید در ترکیه مسجدی است به نام "صانکی یدیم جامعی" که سازنده آن هر موقع می‌خواست پولش را خرج نماید و چیزی برای خوراک تهیه نماید، با خود می‌گفت: صانکی یدیم؛ "فرض کن که خریدم و خوردم!" بعد پول آن را در جیب دیگرش می‌انداخت و به قوت لایموتی بسنده می‌کرد و به این ترتیب از پول خود، به تدریج مصالحی تهیه می‌نمود، تا بعد از گذشت سال‌ها این مسجد را ساخت که به این نام معروف شد: "صانکی یدیم جامعی!" و از همین قبیل است: "آت یمز جامعی!" که نشان می‌دهد چگونه کسانی با ایثار جان و مال خویش آثاری گرانقدر از خود به آیندگان به یادگار گذاشتند و آنوقت ما چگونه در مقابل این آثار قدردانی می‌کنیم!؟

آقای بهنام آزاد، وابسته فرهنگی ایران در ترکیه، سپس به نقش برخی علمای شیعی در همراهی با سلاطین عثمانی وقت در مواجهه با نیروهای اشغالگر غیر مسلمان اشاره می‌نماید و می‌گوید؛ شما می‌دانید در سال ۱۹۱۵ م جنگی مشهور به "چاناق قلعه ساواشی" در منطقه‌ای بین چناق قلعه سی و تنگه داردانل در جنوب غربی استانبول بین قوای عثمانی و نیروهای روسی وقوع یافته بود؛ در آن زمان برخی

علمای شیعی نجف اشرف، براساس اسنادی که در دست است، حکم جهاد علیه روس‌ها و همراهی و دفاع از دولت عثمانی را واجب می‌شمارند و کسانی از شیعیان، به این منطقه عازم می‌شوند؛ در این میانه بسیاری از آنها در این جنگ نابرابر به شهادت می‌رسند؛ امروزه در یکی از قبرستان‌های منطقه چناق قلعه‌سی هنوز قبر این شهیدان هست و از عجایب است در این دوره جمهوری ۸۵ ساله، یک بار به این موضوع مهم، که شیعیان با اهدای جان خویش مخلصانه از حیثیت امپراتوری عثمانی دفاع کردند، یاد نشده است! البته اخیراً آن‌گونه که شنیدیم، فیلمی از این موضوع تاریخی تهیه شده که قرار است به زودی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شود.

\* \* \*

ملاقات ما به زمانی طولانی تبدیل می‌گردد... گویا قرار است یک بازدید هم از قسمت‌های مختلف کتابخانه داشته باشیم. همراه آقایان راهی می‌شویم، در همان مسیر ورودی مان، نخستین محوطه، مخصوص فیش کارت‌ها یا همان کارت برگه‌هاست، که البته مربوط به سال‌های قبل از دیجیتالی شدن است؛ کارت‌ها براساس نام کتاب‌ها تنظیم گردیده است، سپس با کدهای مخصوصی، شبیه رده‌بندی دیویی، زبان آنها از هم جدا شده و قابل تشخیص است. به این ترتیب که شماره ۹۱۵ برای نسخ خطی فارسی، ۹۳۵ برای نسخ ترکی و ۹۲۷ نیز برای دستنویس‌های عربی وضع شده است. نام کتابخانه‌ای که نسخه از آنها به سلیمانیه منتقل شده نیز در بالای فیش برگه‌ها قابل مشاهده است.

آقای عیش در خصوص آمار نسخه‌های خطی - که پیش‌تر گفته بود - اینجا می‌افزاید اخیراً در بررسی ۲۶۰۰۰ نسخه، حدود ۵۰۰۰ رساله دیگر از لابلای آن مجموعه‌ها بیرون آمد که فهرست نشده بود، بر این قیاس از حدود ۸۰۰۰۰ دستنویس موجود می‌توان حدس زد که سال‌های گذشته، چه مقدار رساله درون مجموعه‌ها، از دید و قلم فهرست‌نگاران دور مانده است! ببینید، ما قرار است با سه نفر فهرست‌نگار فصلی! این مجموعه عظیم را به جهانیان معرفی کنیم!

سپس به محوطه دیگری می‌رویم که در آن کارت برگه‌های کتاب‌ها براساس مؤلفین تنظیم شده است. اتاق دیگر مرکز اطلاعات کامپیوتری کتابخانه است، آقای عیش قفل آن را باز می‌کند به مانند خزینه‌های حمام‌های قدیمی! درون آن یک هارد بزرگ مخصوص ابر رایانه به رنگ خاکستری، شاید با ظرفیتی برابر با ۱۰۰۰ هگزا (= ترا) بایت! با ارتفافی

به اندازه قد خودم و عرض یک متر دیده می شود که به قول آقای رئیس، تمام اطلاعات نسخه های خطی و تصاویر آنها درون این هارد قرار دارد. ایشان می افزاید ۸۵٪ دستنویس های کتابخانه را دیجیتالیزه کرده ایم و ۶۰۰۰۰ هزار لوح فشرده (CD) رنگی تهیه کرده ایم، با همین تعداد کارمند، باز هر ماه ۱۵۰۰۰ صفحه تصویر رنگی از روی نسخ خطی کتابخانه می گیریم، و با تشریفات و فرم هایی که وجود دارد برای محققان و اساتید داخل کشور ۵۰ غروش (نیم لیره) و برای پژوهشگران خارجی هم هر برگ از نسخه یک دلار محاسبه می کنیم و تصویر نسخ درخواستی را به آنان می دهیم. البته برای کسانی که بخواهند کتاب را چاپ نمایند تشریفات خاصی وجود دارد!

سپس به سالن نه چندان بزرگ دیگری، وارد می شویم که اطراف آن قفسه کتاب های مرجع، خصوصاً فهرس نسخه های خطی سایر کتابخانه ها فراگرفته و محققان مشغول مطالعه نسخ خطی هستند؛ چند زن و مرد و دختر و پسر دانشجو، در سکوتی دل انگیز و آرامشی وصف ناپذیر، در عالم خود، مشغول تحقیق هستند، کنار هر یک از پژوهشگران رایانه ای آن لاین از طریق اینترنت یا اینترنت، موجود است! که در آن اطلاعات اولیه نسخه های خطی همراه تصویر رنگی کامل ۸۰۰۰۰ دستنویس به زبان های عربی، فارسی و ترکی دیجیتال شده، موجود است...؛ گفتنی است که دسترسی به داده های این نسخ، فقط برای کسانی است که در داخل کتابخانه مطالعه می کنند، و کسانی که خارج از کتابخانه سلیمانیه و یا فراسوی مرزهای ترکیه هستند، احتیاج به یوزر و پسورد دارند! خوب دیگه! آنها به غرب نزدیک تر از ما هستند، فکر همه چیز را کرده اند! خیلی عجیب است کسی که مجوز ورود به کتابخانه سلیمانیه را دریافت دارد، در واقع کلید طلایی دسترسی به تصاویر تمام رنگی همه نسخه های خطی مجموعه های منتقل یافته به این گنجینه بی نظیر جهانی را دریافت داشته است! عجیب! البته محقق اینجا فقط می تواند برای خود از روی نسخ خطی یادداشت بردارد یا با نسخه خود مقابله نماید و در این سالن امکان هیچ نوع نسخه برداری نیست، نه پرینت، نه ذخیره اطلاعات، نه عکسبرداری، نه لوح فشرده و نه هیچ چیز دیگر! چون اصلاً کامپیوترهای اینجا فاقد چنین امکاناتی هستند! و معلوم می شود که کار آنان خیلی دقیق و حسابی است! من دقیقاً نمی توانم بگویم، لیکن جز دفتر یادداشت پژوهشگران، چیز دیگری نمی بینم مگر این که کتاب های چاپی برای رفرنس بوده

باشد. هر کس هم تصویری فرای این اطلاعات و داده‌ها بخواهد، مشکلی نیست، روال خاصی دارد که پیش‌تر اشاره گردید. نکته بسیار مهم و جالب این است که تمام مراحل ثبت سفارش نسخه و ارسال از طریق اینترنت با داشتن پسورد و پرداخت اینترنتی (کارت اعتباری) به راحت‌ترین شکل ممکن از طریق آی‌تی (IT) انجام می‌پذیرد، و این دقیقاً چیزی است که در کتابخانه‌های ایران فعلاً جایی ندارد و درخواست تصویر نسخه به همان روش سنتی مصیبت بار معمول، عمل می‌شود!

از صحبت‌ها و توضیحات جناب آقای عیش دانستیم که کتابخانه سلیمانیه از ساعت ۸ صبح تا ۲۳ شب بدون وقفه (جز روز یکشنبه) برای محققان باز است و از نظر تعداد مراجعه کننده برای مطالعه دستنویس‌ها، نیز این روزها (تابستان) که دانشگاه‌های ترکیه تعطیل است، به طور متوسط روزی ۱۵ - ۲۰ نفر است و مواقع دیگر تقریباً بین ۴۰ - ۵۰ نفر است و به طور میانگین روزانه ۱۵۰ نفر هم از ترکیه یا سایر کشورهای جهان از سایت کتابخانه سلیمانیه: <http://www.suleymaniye.gov.tr> بازدید به عمل می‌آورند و احیاناً از راه‌های نزدیک یا دور درخواست‌هایی مانند تصویر نسخ خطی دارند که طبق ضوابط انجام می‌گیرد و آن‌گونه که من به عیان دیدم عمدتاً با درخواست‌های پژوهشگران به صورت حضوری موافقت می‌گردد؛ لیکن روال رسمی درخواست از طریق اینترنت را متوجه نشدم.

به بخش دیگری می‌رویم که صحافی نسخه‌های خطی در آن قرار دارد؛ یک نفر مغول از کشور مغولستان مشغول بکار است! از آنجا که دامداری ترکیه، قوی است و به تبع آن چرم‌های مرغوبی در آن کشور تولید می‌گردد و نوع مرغوب‌تر آن را هم در صنعت صحافی نسخه‌ها استفاده می‌کنند، نوع صحافی در ترکیه به نظرم خیلی مرغوب است، و با توجه به گرانی کالاها و خدمات در ترکیه، برای مثال با ۱۰ لیره (۷۵۰۰ تومان) می‌توان هر جلد قطع وزیری را به صورت گالینگور با عطف مصری چرمی، با کیفیتی به مراتب بهتر و زیباتر از ایران صحافی نمود و با توجه به وفور و ارزانی چرم در ترکیه، همان کتاب را با ۲۰ لیره جدید ترکیه به نحوی بسیار شکیل، تمام چرم (تیماج) صحافی نمود. البته در ایران به نظرم این روزها صحافی در تهران هم زیباتر است و هم ارزان‌تر، متأسفانه در شهر قم به جهت تقاضا و نیاز بیش‌تر به صحافی، اخیراً کیفیت صحافی در پایین‌ترین حد خود قرار گرفته است!

نمونه‌ای از صحافی با چرم خام را می‌بینیم که ظاهراً بعداً روی همان چرم، کارهایی از قبیل نقاشی، لاک و روغن، رنگ و... صورت می‌گیرد که مادر این بازدید از آن غافلیم؛ در ایران صحاف‌ها از چرم آماده کارخانه‌ای استفاده می‌کنند، ولی اینجا به مانند صحافیان قدیم، از چرم خام بهره برده و ابتدا برجستگی‌های چرم خام را با قطعه‌ای فلزی شاید به نام گزن، نازک کرده و صیقل می‌دهند و صاف می‌کنند، سپس روی مقوایی ضخیم کشیده و... جلد کتاب را درست می‌کنند. قسمت دیگر بخش ترمیم و آسیب‌شناسی نسخ خطی کتابخانه است که چند نفر خانم جوان متخصص در آنجا مشغول به کار هستند. آقای عیش ضمن معرفی این بخش، از یکی از خانم‌ها می‌خواهد نمونه‌ای از کار خود را ارائه دهند. یک کتابی را می‌آورند، که به نظر باید صحیح بخاری باشد، و به گمانم از قرن ۹ یا ۸ ه است، که طی ۳ ماه تک - تک برگ‌های آن ترمیم شده، ولی هنوز به صحافی نرفته است و بدون جلد است. آن‌گونه که در خاطرمان مانده در مقوله ترمیم نسخ، سعی می‌شود رنگ ماده ترمیم کننده با رنگ کاغذ یکی باشد، اینجا ترمیم با مواد مخصوص مطلوب است و تطبیق و هم رنگ شدن اصلاً گویا مدنظر نیست. به نظر برای ترمیم یک کتاب خطی ۲۰۰ - ۳۰۰ برگی با هر میزان آسیب، به صورت سه نفره، ۳ ماه اندکی طولانی و زیاد است، البته بعدی نیست چرا که این کار، اینجا، اختصاصی خانم‌هاست و آنها نیز آن‌گونه که می‌بینیم مشغول صحبت و جویدن آدامس و تعریف داستان و... طبیعی است که ترمیم آنها طول خواهد کشید! ولی چیزی که در این کتابخانه، بسیار جالب است این که در چهره کارمندان کتابخانه، هیچ استرس، نگرانی و اضطرابی از منظر امنیت شغلی و مشابه آن، مشاهده نمی‌شود، هر کس با اطمینان خاطر و در کمال آرامش به کار خودش مشغول است، به نظر این موضوع حساس در کار با نسخه‌های خطی بسیار قابل توجه و اهمیت است و شوربختانه در ایران ما کمتر با آن مواجه هستیم!

نمونه‌هایی از کار عملی مرمت‌کاران خانم کتابخانه را از نزدیک به نظاره می‌نشینیم، با خمیری سفید رنگ و قطعه‌ای فلزی یک - یک سوراخ‌های برگ‌های نسخه‌ای که روی میزی مخصوص نهاده شده، آرام - آرام با آرامش و حوصله‌ای وصف‌ناپذیر و با دقت تمام، پر می‌شود؛ گو اینکه برای مرمت‌کار، فقط کیفیت کار مهم است و کمیت جایی در محاسبات این کتابخانه ندارد! و این از عجایب است! چرا که به نظر تنها چیزی که

در برخی کتابخانه‌های داخل، مهم‌تر و بیش‌تر از همه چیز اهمیت دارد کمیّت است و نه کیفیت! در صورتی که حق این است "نسخه‌های خطّی" و تمام امور متعلّق به آن، چه فهرست‌نگاری آن، چه ترمیم، چه اسید زدایی، چه صحافی، چه اسکن و تصویر برداری و... همه و همه در سایه کیفیت مبتنی بر آرامش، معنا پیدا می‌کنند؛ البته اشتباه نشود، نمی‌گوییم "کمیّت" را کلاً باید نادیده گرفت؛ نه هرگز! بلکه معتقدم آنچه که مهم است این‌که کیفیت را نباید قربانی کرد؛ حتی اگر مواقعی ضرورت اقتضاء می‌کند، بگذاریم، کمیّت قربانی شود و نه کیفیت! به حریم ممنوعه "کیفیت" هرگز نزدیک نشویم که به نظرم در پروسه تولید دانش و فناوری، ناخنک به "شجره ممنوعه کیفیت" مطلقاً روانیست!

بخش دیگر کتابخانه سلیمانیه، بخش بیمارستان کتاب است. البته به نظر می‌رسد، این بخش از کتابخانه، نسبت به کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، آن‌گونه که من متوجّه شده‌ام، از امکانات بیشتری برخوردار است، برای نمونه برای اسید زدایی از کاغذ و مرکّب، بر خلاف روش استفاده از موادّ طبیعی در مرکز میکرو فیلم نور در دهلی نو از سوی آقای خواجه پیری، اینجا از موادّ شیمیایی خاصی که بنا به گفته یکی از خانم‌ها، ژاپنی‌ها در اختیارشان نهاده بوده، بهره می‌جستند و برای تشخیص میزان اسید کاغذها و تعیین میزان PH آن، بعد از ریختن قطره‌ای آب خالص (باترکیبی شیمیایی خاص روی کاغذ و مرکّب) از دستگاهی پیشرفته به نام PH meter، با نشان تجاری HORIBA - که آن را هم ژاپنی‌ها اهدا کرده‌اند - استفاده می‌کنند و سپس نسخه‌هایی را که کاغذ و مرکّب آن اسیدی شده، با موادّی خاص ترمیم می‌نمایند. موضوع دیگری که برایم خیلی جالب است فرایند بسیار پیچیده تثبیت جوهر روی کاغذ و نهادن برگ‌های نسخ خطّی در درون آب مخصوص است! که به نحو گسترده‌ای برای اسید زدایی در این کتابخانه رواج دارد؛ چیزی که در کتابخانه‌های ایران و بنا بر اطلاع و آگاهی ناقص این کمینه، حداقل در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی (ره) وجود ندارد و این البته برای من بسیار تعجب‌آور است، با اینکه کتابخانه بزرگ سلیمانیه در نزدیکی تنگه بسفر، بر کناره دریای مرمره قرار دارد و اکثر مواقع نیز هوا به شدت شرجی و به شدت رطوبتی است! چطور است که این نسخ در این هوای مرطوب آسیب نمی‌بینند؟ چرا که گاهی، چنان‌ها شرجی است که لباس بر تن انسان خیس می‌نماید! نسخه خطّی که جای خود

دارد! البته حتماً تمهیداتی علمی برای جلوگیری از تخریب آنان، اندیشیده شده است. الحمدلله بسیاری از کتابخانه‌های ایران، از جمله کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در شهر قم، از نظر اقلیمی در جایی خشک قرار دارند و از نظر حفاظت و ماندگاری نسخه‌ها، نعمت بزرگی نصیب ایرانیان شده است، به شرطی که زکات آن را، که "سرویس دهی آسان و روان نسخ خطی به پژوهشگران" است، ادا نمایند!

بخش بعدی کتابخانه، بخش میکروفیلم و ریزنگاری است که در آن کار دیجیتالیزه کردن نسخه‌های خطی صورت می‌گیرد. پیش‌تر آماری از تعداد لوح‌های فشرده و کارهای صورت گرفته در این کتابخانه را نوشتم؛ اما آن‌گونه که خاطر ممانده، گویا در این بخش همچنین میکروفیلم‌هایی از دستنویس سایر کتابخانه‌های ترکیه نیز هست که به هر حال آقای عیش به جهت ضیق وقت، در این خصوص چیزی بیان نمی‌دارند. در مراحل نهایی بازدید از کتابخانه سلیمانیه، به موزه کتابخانه می‌رویم، داخل ویتترین‌ها نمونه‌هایی از قرآنهای خطی و نسخه‌های نفیس موجود در کتابخانه سلیمانیه به نمایش گذاشته‌اند که برخی به خطوط عالمان برجسته دوره عثمانی است؛ به جهت زمان محدود بازدید و خستگی دوستان همگی دوستان و جناب آزاد، با این‌که من همچنان مشتاق سؤال و ثبت و ضبط داده‌ها هستم، گویا چاره‌ای نیست باید رفت! آدرس ایمیل را به «جسور بیک»، منشی آقای عیش می‌دهم که محبت نمایند و لیستی از نام دستنویس‌های موجود در ویتترین‌ها را برای من بفرستد تا در سفرنامه‌ام ثبت نمایم، که مطابق معمول موارد مشابه، به نظرم مرور زمان بر این درخواست نیز مستولی خواهد شد و فراموشی بر آن خواهد تاخت! در این هنگام در کمال استعجال، که همه چیز به مانند پرده سینما از جلوی چشم آدمی می‌گذرد، ناگهان دفتر یادبودی را جلوی من می‌گذارند تا چند سطری در آن بنویسم! من هم بدون هیچ توفقی، ۲۵ سطر احساس حقیقی‌ام را نسبت به حضور در این مکان جالب و بسیار دوست داشتنی مکتوباً بیان می‌دارم، و اینکه سال‌ها در آرزوی دیدن این کتابخانه بزرگ که میراث سترگی از امپراتوری عظیم و فخیم عثمانی است، لحظه شماری می‌کردم، اینکه این کتابخانه کم‌نظیر سلیمانیه دارای فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بسیار بالایی است که باید با دقت تمام از آنها در پیشبرد تعاملات فرهنگی دو ملت برادر و مسلمان ایران و ترکیه بهره‌برداری علمی شود.